تحلیل کنفرانس تهران و راه آینده کشورهای اسلامی

روزهای 18 تا 20 آذرماه،تهران،به‏ عنوان میهماندار هشتمین اجلاس سران‏ سازمان کنفرانس اسلامی مرکز خبری‏ جهان بود.روزهای قبل از آن نیز با برگزاری جلسات کارشناسان سازمان‏ کنفرانس اسلامی و کنفراس وزیران‏ خارجهء این سازمان،انظار جهانیان، خاصه سیاستمداران متوجه ایران بود.

این کنفرانس،به نظر همه کارشناسان، مهمترین و موفق‏ترین کنفرانس از زمان‏ تأسیس این زمان بود.طی 27 سالی که‏ از تأسیس این سازمان می‏گذرد،نخستین‏ بار بود که سران همهء کشورهای عضو،یا نمایندگان تام الاختیار آنها در کنفرانس‏ شرکت می‏کردند.نخستین بار بود که‏ بی‏هیچ مناقشه‏ای،قطعنامه‏ای مترقی و ناظر به آینده صادر شد.این هم،حاصل‏ برنامه‏ریزی صحیح و اصولی و نظارت بر اجرای صحیح برنامه‏ها و آینده‏نگری در هدفهای کنفرانس اسلامی بود.بی‏سبب‏ نیست که دوست و دشمن در خاتمه‏ هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس‏ اسلامی،این اجلاس را موفقیت‏ دیپلماسی ایران لقب دادند.

در حقیقت کنفرانس،با آن شکوه و جلال خیره‏کننده و آن نظم اعجاب‏ برانگیز که زبانزد همهء شرکت‏کنندگان‏ بود،نتیجهء چندین سال تلاش شبانه‏ روزی که گروههای متخصص در زمینه‏های‏ گوناگون بود که هماهنگی و همزمانی‏ تلاش آنها ثمره‏ای بیش از حد انتظار به‏ بار آورد.

خبرهای کنفرانس سران،همزمان با برگزاری اجلاس از طریق شبکه‏های‏ ماهواره‏ای در سراسر جهان پخش شد. رادیوها و روزنامه‏ها نیز بلافاصله یا با فاصله‏ای چند ساعته،خبرها را منعکس‏ ساختند.بنابراین از یک نشریه ماهانه‏ نمی‏توان و نباید انتظار انعکاس رویدادها را داشت.در این بحث هدف ما انعکاس‏ نقطه نظرها و پیش‏بینی‏ها براساس‏ رویداها می‏باشد.به عبارت دیگر ما به‏ تفسیر جریان کنفرانس و خط مشی آینده‏ کشورهای اسلامی می‏پردازیم.

جوزسازی علیه ایران

جو جهانی و منطقه قبل از برگزاری‏ هشتمین اجلاس سران کشورهای‏ اسلامی،جوی بود که تحت تأثیر تشنج‏ آفرینی‏های دشمنان شناخته شده، سرشار از سوء ظن کشورهای اسلامی‏ نسبت به ایران بود.در حقیقت امریکا، پس از متلاشی شدن کمونیسم جهانی، بازار عمده اسلحهء خود را در جهان از دست‏ داد و تلاش برای برقراری مظهری‏ ترس‏آفرین که در پرتو آن بتوان‏ سیاستهای تسلیحاتی گذشته را احیاء کرد و رونق بخشید،در خصومت با جمهوری‏ اسلامی ایران متبلور شد.امریکا تمرکز سیاست گسترش ترس و سوء ظن برای‏ فروش اسلحه را روی ایران متمرکز ساخت.نخستین آزمایش،برقراری جنگ‏ از سوی عراق،علیه ایران اسلامی ود. امریکا در این راه بسیاری از کشورهای‏ شرق و غرب را به دنبال خود کشید.اما سرانجام ایران اسلامی،بی‏آنکه حتی یک‏ وجب از خاک خود را از دست داده باشد، قطعنامه شورای امنیت را مبنی بر آتش‏ بس بین ایران و عراق پذیرفت.

چند سال بعد،سازمان ملل،عراق را به‏ عنوان مسئول و آغازگر جنگ-و طبعا متجاوز شناخت.(جالب است که این روز مصادف با برگزاری هشتمین اجلاس‏ سران کشورهای اسلامی یعنی روز 18 آذرماه بود که معاون رئیس جمهوری عراق‏ نیز در آن حضور داشت).انتشار جهانیان‏ این بود که متجاوز مجازات شود که چنین‏ نشد.این مجازات وقتی صورت گرفت که‏ عراق با کویت وارد جنگ شد و قوی‏ترین‏ ارتش جهان،یعنی ارتش امریکا با تمام‏ تجهیزات نظام مدرن(باستثنای‏ بمبهای اتمی و شیمیائی)به یاری کویت، یعنی یکی از کوچکترین کشورهای روی‏ زمین،شتافت و همهء توان ابرقدرتی خود را به عنوان ارتش مزدور و حقوق‏بگیر کویت،به کار گماشت.جنگ تجاوزکارانه‏ علیه کویت ظرف چند روز تمام شد.اما امریکائیها در خلیج فارس ماندند و به‏ سیاست ترس‏آفرینی و فروش تسلیحات‏ ادامه دادند.هنوز که هنوز است،کویت‏ ماهانه افساط هزینه لشکرکشی سربازان‏ مزدور بزرگترین قدرت نظامی جهان را می‏پردازد!حالا دیگر پاسداری از صلح‏ جهانی به صورت فروش تسلیحات، نفرات،تخصص و تجهیزات و ارسال‏ سربازان مزدور درآمده است.

این یک نمونه از جوی است که‏ هشتمین اجلاس سران اسلامی در آن‏ برگزار می‏شد.

نمونه دیگر تلاشی بود که پس از رفع‏ تحریم سراسری غرب علیه ایران(در جنگ تجاوزکارانهء عراق)امریکا برای‏ منزوی ساختن ایران بکار برد.امریکا در این راه تا آنجا رفت که براساس قانون‏ قلدرمابانه‏"داماتو"هر کشوری را که در زمینه نفت و گاز در سال بیش از 40 میلیون دلار-و بعدا 20 میلیون دلار-با ایران مشارکت و دادوستد می‏کرد مشمول‏ مجازاتهای امریکا می‏ساخت!طبیعی بود که دنیا زیر بار چنین تحمیلی نمی‏رفت. اولین قیام‏کننده علیه این اقدام ترکیه بود که با سفر تاریخی نخست‏وزیر وقت آن کشور،دکتر نجم الدین اربکان،قرارداد همکاری 23 میلیارد دلاری در زمینه نفت‏ و گاز را با ایران امضاء کرد و بی‏اعتباری‏ قانون داماتو را درحالیکه هنوز مرکب‏ امضای رئیس جمهوری امریکا در پای‏ این قانون خشک نشده بود،به دنیا اعلام‏ کرد.امریکا ناچار به سکوت شد. آنگاه نوبت به فرانسه رسید که با انعقاد قرارداد نفت از سوی شرکت توتال در جلو امریکا و قانون تجاوزکارانهء داماتو قد علم‏ کر.سپس روسیه و مالزی به این قرداد ملحق شدند و به آن جنبه بین المللی‏ دادند.ایستادگی فرانسه چنان شدید بود که امریکا رسما اعلام کرد اجرای قانون‏ داماتو را موقتا(و البته تا زمان اعلام‏ نشده)متوقف کرده است.

آنگاه صحنه‏سازیها در عراق-از شمال‏ و جنوب-برای تشنج‏آفرینی آغاز شد و خاورمیانه تا آستانهء یک جنگ تمام عیار پیش رفت.این بار دیپلماسی نزاکت‏آمیز و در عین حال افشاگرانه ایران بحران را خاتمه داد(همچنانکه سیاست افشاگرانه‏ ایران در مورد اختصاص 20 میلیون دلار از سوی امریکا برای ایجاد آشوب در کشور ما سبب عقیم ماندن آن برنامه گردید.)

کارگر نیفتادن این برنامه‏ها امریکا را به‏ تلاش بی‏حاصل دیپلماسی تهدید و تحبیب واداشت.وزیر خارجه امریکا و معاون او مرتب به کشورهای عربی سفر کردند و این کشورها را از نزدیکی با ایران‏ اسلامی و مشارکت در کنفرانس سران‏ کشورهای اسلامی در تهران بر حذر داشتند.اما نتیجه همهء این تلاشها این‏ شد که به گفته روزنامه«ایندیپنت»چاپ‏ لندن:"این حضور،ابهت امریکا را در خاورمیانه درهم شکسته است."حضور همهء کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در اجلاس تهران،در جوی که به آن اشاره‏ شد یکی از بالاترین دست‏آوردهای این‏ کنفرانس و یک پیروزی مسلم برای‏ جمهوری اسلامی ایران محسوب می‏شود، خاصه پس از شکست کنفرانس دوحه که‏ امریکائیها سعی داشتند آن را به صورتی‏ درآورند که کنفرانس تهران را تحت الشعاع قرار دهد.

نظم،آزادی،آرامش

نخستین نکته‏ای که در اولین برخورد سران و نمایندگان کشورهای کنفرانس‏ اسلامی در تهران به چشم می‏خورد نظم‏ همراه با آرامش و فرح‏بخش بود. کنفرانس از آغاز تا انجام با چنان نظمی‏ برقرار شد که خیره‏کننده بود.معهذا انضباط سراسر کنفرانس،انضباطی‏ خشک و آزاردهنده نبود.بلکه در پرتو نظم،همه کس احساس آرامش و احساس‏ راحتی می‏کرد.و این چیزی است که از هر نظم و انضباطی باید انتظار داشت.نظم‏ کنفرانس حاصل ماهها تمرین و تعیین‏ مسئول برای هر امر کوچک یا بزرگ بود. بطوریکه هیچ نکته فراموش شده کوچک‏ و بزرگ به چشم نمی‏خورد.بدیهی است‏ ملت ایران در همکاری با نیروهای‏ انتظامی برای استقرار این نظم‏ برنامه‏ریزی شده سهمی شایسته داشت‏ که مورد تقدیر رئیس جمهوری کشورمان‏ قرار گرفت.

از سالن و تجهیزات آن سخنی‏ نمی‏گوئیم اینقدر کافی است که تازه‏ واردان به محل کنفرانس و محل پذیرائی‏ لحظاتی را به فضای زیبا و خیره‏کننده‏ محل کنفرانس و محل استقرار خویش‏ اختصاص می‏دادند.

جلسات علنی کنفرانس-طبق برنامه و به نحو مطلوب پیش رفت و در جلسات‏ غیر علنی-تا آنجا که از خلال گفت‏و شنود با اعضای حاضر در جلسات استنباط می‏شد،با آزادی،نظم و آرامش،طبق‏ برنامه پیش رفت و هیچکس فرصت را برای مطلبی که لازم می‏دانست عنوان‏ کند،از دست نداد.

باید گفت پیشرفت کار جلسات‏ محرمانه کنفرانس-که معمولا همهء اصول اساسی در آن طرح می‏شود،با چنین شکل مطلوب،حاصل کار ارزندهء گروههای کارشناسی بود که قطعنامه‏های‏ 140 گانه کنفرانس را آماده کردند و نیز ثمره کار ارزشمند وزیران خارجهء کشورهای عضو بود که این قطعنامه‏ها را به دقت ارزیابی،اصلاح و تصویب نمودند و به این ترتیب زمینه پیشرفت کار کنفرانس را فراهم ساختند.

سخنان افتتاحیه رهبر انقلاب

تا دو روز قبل از برگزاری اجلاس سران، صحبت از این بود که آقای خاتمی ریاست‏ جمهوری اسلامی ایران که میهماندار کنفرانس بودند،کنفرانس را افتتاح خواهند کرد.اما از هنگامی که روشن شد همهء کشورهای عضو کنفرانس اسلامی- بلا استثناء-در آن مشارکت می‏نمایند،به‏ دلیل اهمیت کنفرانس و گرامی داشت هر چه بیشتر شرکت‏کنندگان،اراده بر آن قرار گرفت که مقام رهبری شخصا سخنرانی‏ افتتاحیه کنفرانس را ایراد نمایند.این‏ تصمیم روحیه جدیدی به کنفرانس داد.

سخنان مقام رهبری مانند همیشه‏ صریح و قاطع بود و بر پیشنهادهای خاص‏ و منجز تکیه داشت.این سخنان- چنانکه برخی روزنامه‏ها نیز نوشتند. اساسی‏ترین نکات 140 قطعنامه مصوب‏ گروههای کارشناسان و وزیران خارجه‏ کشورهای اسلامی را در برمی‏گرفت،به‏ اضافه نکات تازه‏ای که برای نخستین بار عنوان می‏شد.اگر در مورد این نطق فقط باید یک جمله گفته شود،آن جمله این‏ است که:"هشتمین کنفرانس سران‏ کشورهای عضو سازمان اسلامی راه‏ سلطه‏طلبی برای سلطه‏جویان باقی‏ نگذاشت‏".

سخنان مقام رهبری محور تمام‏ مذاکرات اجلاس قرار گرفت.در اینجا قصد نداریم مطالب منتشر شده را دوباره‏ نویسی کنیم.فقط به نکات اساسی این‏ سخنرانی که بدون شک در آینده-خاصه‏ در سه سال ریاست آقای خاتمی‏ بر کنفرانس اسلامی-تعیین کنندهء بسیاری از سیاستها و روشهای اجرائی‏ کنفرانس خواهد بود اشاره می‏کنیم.

\*عقیده ما(مسلمانان)به قرآن ما را با پیوندی ابدی به یکدیگر پیوسته است و با همهء تفاوتهای تاریخی و جغرافیائی و سیاسی از ما پیکرهء واحدی که همان است‏ اسلامی است پدید آورده است.

\*امروز هم بشر از همان دردهائی رنج‏ می‏برد که در طول تاریخ برده است.اکثر مردم جهان فقیرند و عده معدودی‏ بیشترین ثروت روی زمین را در دست‏ دارند.اکثر ملتهای جهان از پیشرفت‏ علمی بی‏نصیب‏اند.در گوشه و کنار جهان‏ جنگها برپاست و دیگران هم دائما از بروز جنگ بیمناکند...دردهای مزمن و کهنه بشری همچنان برجاست و گرفتاریهای عمده همان است که بود.

\*امروز هم مانند گذشته اسلام تنها شفابخش و فرشتهء نجات است.امروز هم‏ مانند هزار و چهارصد سال پیش این ندا طنین‏افکن است که

"قد جائکم من الله‏ نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع‏ رضوانه سبل السلام و یخرجهم من‏ الظلمات الی النور باذنه و یهدیهم الی‏ صراط المستقیم‏"

.

\*دشمنان در طول چند قرن و دوستان‏ نادان و غافل در زمانی درازتر،چهرهء نورانی اسلام را زشت کرده و به غرض یا به سلایق جاهلانه به آن افزوده یا از آن‏ کاسته‏اند.

\*یک قلم از تلاش خستگی‏ناپذیر دشمنان در این باره،حجم عظیم‏ تبلیغاتی است که بر علیه ایران اسلامی، پس از قیام دولت اسلام در ایران،به راه‏ افتاده است.

\*کار بزرگ ما شناسائی اسلام و شناساندن آن و آشنائی بیشتر با یکدیگر است.

\*آنچه تمدن بزرگ اسلام را به وجود آورد.هم‏اکنون نیز در اختیار ما است و به‏ ما هشدار می‏دهد:

"یا ایها الذین آمنو، استجیبو الله و للرسول اذا دعاکم‏ لما یجیبکم‏"

\*بیائید برای آیندگان چیزی از این‏ افتخارآمیزتر به ارث بگذاریم.

\*در بررسی عوامل بیرونی وضع‏ کنونی،من جبههء استکبار را از همه‏ مؤثرتر می‏یابم.

\*در فرهنگ ما،استکبار به آن مجموعهء قدرتی گفته می‏شد که با تکیه‏ بر توانائیهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود،و با ابهام از نگرش تبعیض‏ آمیز به نوع بشر،مجموعه‏های بزرگ‏ انسانی،یعنی ملتها و دولت‏ها و کشورها را با سیطره‏ای قلدرانه و تحقیرآمیز به سود خود زیر فشار و استثمار می‏گذارد،در کار آنها دخالت و به ثروتهای آنها دست‏اندازی می‏کند.به دولتها زور می‏گوید و به ملتها ستم می‏ورزد و به‏ فرهنگها و سنتهای آنان،اهانت روا می‏دارد.

\*ما دشمن را ملامت نمی‏کنیم-کسانی‏ سزاوار ملامتند که به کوته‏بینی و راحت‏ طلبی و خودخواهی زمینه پیروزی دشمن و زوال خویش را فراهم ساختند.

\*ما امروز باید ابتکار عمل را به دست‏ بگیریم.تاکنون همواره دشمن ابتکار عمل را در دست داشته است و ما حداکثر شکوه و گله کرده‏ایم.

\*فلسطین در یک فرایند تاریخی‏ متشکل از ده‏ها ابتکار عمل از سوی‏ دشمن،به ملک مطلق صیهونیستها بدل‏ شده است.

\*فقط یکبار همسایگان عرب فلسطین‏ ابتکار عمل را به دست گرفتند و آن حملهء رمضان 1393 هجری قمری کشورهای‏ سوریه و مصر بود...پس از آن باز همواره‏ تا امروز صیهونیستها و حامیانشان و در رأس همه،امریکا،ابتکار عمل را در دادن‏ شعارهای سازش و عمدتا در جهت‏ تحکیم تصرف غاضبانه فلسطین در دست داشته و حریفهای خود را تا هر جا توانسته‏اند به دنبال خود کشیده‏اند.

\*این وضع با عزت اسلامی ناسازگار و از راه علاج دردهای امت اسلامی بسی دور است.

\*باید همهء کشورهای اسلامی در احقاق‏ حق ملت فلسطین سهم شایسته‏ای بر عهده بگیرند.

\*\*دنیای اسلام باید از حالت انفعال به‏ حالت ابتکار درآید.

\*مخالفت ما با آنچه به آن صلح‏ خاورمیانه می‏گویند به دلیل ناعادلانه‏ بودن،استکباری بودن،و تحقیرآمیز بودن‏ و بالاخره غیر منطقی بودن آن است.اصل‏ تحمیلی صلح در مقابل زمین به معنای‏ آن است که صیهونیستها زمینهای‏ کشورهای همسایه را پس بدهند تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلق به آنها باشد.چه سختی از این ناعادلانه‏تر است؟ چه پاسخی می‏توان به ملت کهن‏ فلسطین در این معاملهء مغبونامه داد؟از شوخی‏های عبرت‏انگیز زمانه یکی این‏ است که دولت غاصب همین را هم‏ نامناسب دانسته و آن را رد کرده است.

\*\*امروز دلگرمی استکبار به پراکندگی‏ این جبهه است.آیا وقت آن نرسیده که‏ این صف را به نفع خودمان مستحکم‏ کنیم؟

\*استکبار با ما کاری کرد که ما اینک از یکدیگر بیشتر می‏ترسیم تا از دشمن. وسوسه‏ها،دروغها و تبلیغات موذیانه‏ کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانیده است.

\*اکنون هیجده سال است که نفس‏ مسموم طراحان سیاسی استکبار پیوسته‏ دمیده می‏شود تا همسایگان ما را در خلیج‏ فارس از ایران اسلامی که پرچم اتحاد و برادری در دست دارد بترساند.

\*من اعلام می‏کنم که هیچ خطری از سوی ایران اسلامی هیچ کشور اسلامی را تهدید نمی‏کند.

\*\*امروز امت اسلامی تشنه اعتماد به‏ نفس و عزت و استقلال است و باید همه‏ در راه آن تلاش کنیم...امروز زمینه ادای‏ آن و کسب عزت و اقتدار و استقلال کامل‏ جهان اسلام فراهم است.

\*\*سازمان کنفرانس اسلامی می‏تواند مظهر اتحاد حقیقی کشورهای مسلمان در مسائل و منافع مشترک آنان باشد.

\*\*سازمان کنفرانس اسلامی می‏تواند در تبادل منطقی و عادلانهء امکانات(موجود بین کشورهای اسلامی)دخالتی جدی‏ داشته باشد.

\*\*برای فعال کردن سازمان کنفرانس‏ اسلامی به جز اراده همگانی و کمک مالی‏ از سوی کشورهای اسلامی ثروتمند،به‏ هیچ کس و هیچ چیز دیگر نیاز نداریم.

\*هم‏اکنون حضور ناوهای بیگانه و بیش‏ از همه ناوها و نفرات امریکائی در خلیج‏ فارس موجب ناامنی است.وجود یک‏ سازمان کنفرانس اسلامی مقتدر، می‏تواند از یک سو با زبان عزت و اقتدار اسلامی بیگانگان را به رفع این مزاحمت‏ وادار کند و از سوی دیگر بهانه‏های این‏ حضور بی‏جا را مرتفع سازد و هرگاه لازم‏ باشد نیروئی از خود کشورهای اسلامی را به حراست از امنیت و صلح در این منطقه‏ بگمارد.

\*ده‏ها کار بر زمین مانده وجود دارد که هر یک به تنهائی،وظیفه همهء دولتهای‏ اسلامی است.

\*سازمان کنفرانس اسلامی باید بتواند پارلمان بین المجالس کشورهای اسلامی‏ را تأسیس کند.

\*سازمان کنفرانس اسلامی باید بازار مشترک اسلامی را از صورت یک آرزوی‏ دور به یک واقعیت تبدیل کند.

\*سازمان کنفرانس اسلامی باید دیوان‏ داوری اسلامی را پی‏ریزی نماید.

\*سازمان کنفرانس اسلامی باید به‏ نمایندگی از پنجاه و پنج کشور اسلامی و جامعهء یک میلیارد و چند صد میلیون‏ نفری،از اعضای ثابت شورای امنیت‏ سازمان ملل متحد شود و تا وقتی حق وتو باقی است،شمشین عضو دارای حق وتو در آن شورا باشد.

دیدگاه‏های رئیس جمهوری‏ اسلامی ایران

سخنان ریاست جمهوری اسلامی‏ ایران،که میهماندار هشتمین اجلاس‏ سران سازمان کنفرانس اسلامی بود. کنفرانس را به سوی برنامهء(کاری‏ کنفرانس رهنمون شد.

رئیس جمهوری کنفرانس را از اشتباه‏ محاسبه در استکبار ستیزی با تقلید آگاهانه از دست‏آوردهای مثبت غرب‏ بر حذر داشت.این نکته‏ای بود که عزت‏ بگویچ رئیس جمهوری بوسنی و هرزه‏گوین نیز در آخرین جلسه کنفرانس‏ به آن اشاره کرد.

از آنجا که متن کامل سخنان ریاست‏ جمهوری در همان زمان ایراد انتشار یافت‏ و به فاصلهء اندکی در رسانه‏های نوشتاری‏ ایران و جهان منعکس شد،در اینجا فقط فرازهائی از این سخنرانی که در نتیجه‏گیری بحث ما مفید است و جنبه‏ مرجع دارد،آورده می‏شود.در زمینه‏ای که‏ مورد اشاره قرار گرفت،رئیس جمهوری‏ ضمن مقایسه تمدن غرب که نشأت‏ گرفته از"دولت-شهر"یونان است و تمدن اسلامی که نشأت گرفته از"مدینه‏ النبی‏"است،و با تأکید بر اختلافات ماهوی‏ این دو،تأکید کرد:

\*الزاما در همهء نتایج و علائم میان این‏ دو نباید تعارض و تخالف وجود داشته‏ باشد،و به همین جهت نیز هرگز نباید از اقتباس غیر مقلدانهء دست‏آوردهای مثبت‏ جامعهء مدنی غرب غافل بمانیم.

\*رئیس جمهور گفت‏وگو میان تمدنها را ضامن صلح و امنیت در جهان اسلام ذکر کرد:

\*در جامعهء مدنی مورد نظر ما گرچه مدار و محور،فکر و فرهنگ اسلامی است،اما در آن از استبداد فردی و گروهی و حتی‏ دیکتاتوری اکثریت و کوشش در راه‏ اضمحلال اقلیت نباید خبری باشد.

\*در جهان امروز نظم تازه‏ای بر پایهء کثرت‏گرائی در حال شکل‏گیری است که‏ بیاری خداوند،دیگر در انحصار هیچ‏ قدرت برتر نیست.

\*آنچه برای ما کشورهای مسلمان مهم‏ است،این است که در عین پایداری‏ جوانمردانه در برابر هرگونه توسعه‏طلبی، بکوشیم تا در شکل‏دهی به نظم جدید سیاسی جهان و مراودات بین المللی، جایگاه شایستهء خود را به دست آوریم.

\*اطمینان‏سازی اصولی‏ترین راهبرد در منطقهء خاورمیانه است.

\*کشورهای مسلمان باید بر این نکته‏ پافشاری کنند که مشکل افغانستان‏ راه حل نظامی ندارد.

\*ضمن دعوت از عراق به همکاری‏ مناسب با سازمان ملل،معتقدیم دخالت‏ بیگانگان به خصوص درگیری و جنگ در شمال این کشور که به آوارگی صدها هزار نفر غیر نظامی انجامیده است،خود زمینه ناامنی بزرگی را در منطقه فراهم‏ آورده است.

\*تمامیت ارضی عراق مورد تأکید جدی‏ ما است.

\*توسعهء مداوم و متوازن اقتصادی بین‏ کشورهای مسلمان باید از طریق تدوین و تعریف الگویهای متناسب با مقتضیات‏ دنیای اسلام آغاز شود.

چشم‏انداز آینده

هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان اسلامی،با صدور بیانیه‏ای که به‏ نام بیانیه تهران و اعلامیه چشم‏انداز اجلاس تهران به آینده معروف شد و قطعنامه سران کشورهای اسلامی،پس از سه روز کار مداوم در جلسات علنی و غیر علنی به کار خود پایان داد و نقطهء عطفی بر کنفرانسهای هفتگانه گذشته‏ کنفرانس محسوب گشت.

صرف اینکه قطعنامهء سران کشورهای‏ اسلامی بنام‏"چشم‏انداز اجلاس تهران به‏ آینده‏"نامیده شد،به خودی خود بیانگر نگاه تازه و فعال کنفرانس اسلامی به‏ دنیای قرن بیست و یکم است.نشان آن‏ است که سازمان کنفرانس اسلامی از حالت انفعالی و نگرش به گذشته و باصطلاح‏"تاریخ‏نگری صرف‏"خارج‏ شده،به نقش حیات بخش اسلام در دنیای آینده توجه دوخته است.این چیزی‏ است که دنیای غرب،خاصه امریکا،مایل‏ به مشاهدهء آن نبود.تهران نه فقط نقطهء توجه دنیای اسلام و از این طریق نقطهء عطف توجه جهانیان گردید،بلکه‏ کشورهای اسلامی را به همراه خود به‏ آینده کشید.این معنی مجسم همان‏ "صدور انقلاب‏"بوده و هست که غرب‏ می‏کوشید آنرا به تصرف سرزمین دیگران‏ با زور اسلحه و سرباز به دنیا معرفی کند و در پرتو آن ترس آفرینی کند.اسلام دارد با خواست و آرزوی قلبی یک میلیارد و چند صد نفر میلیون مسلمان حقانیت خود را به‏ دنیا نشان می‏دهد.مرزهای جغرافیائی‏ برای جلوگیری از تاخت‏وتاز این‏ اندیشه‏های بزرگ اسلامی بکلی ناتوان‏ است.اعلامیه‏"چشم‏انداز آینده‏"می‏گوید: \*سران کشورهای اسلامی مصمم هستند در جهت اهداف مشترک اقدام کنند.

\*مصمم به یافتن راه‏های تعاون و همکاری هستند و از هر فرصتی برای‏ هماهنگی و تبادل آراء به منظور ایفای‏ نقش مثبت در صلح و امنیت بین المللی و رشد و توسعهء پایدار استفاده خواهند کرد.

\*عزم راسخ خود را بر پایبندی قاطعانه به‏ اصول بنیادی مانند تمامیت ارضی و استقلال ملی کشورها-رد استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور علیه یکدیگر و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها اعلام می‏دارند.

با چنین نکات دقیق و صریح و انسانی و آرمانی،ظاهرا دیگر هیچگونه جای پائی‏ برای نفوذ تفرقه‏افکنان بین کشورهای‏ مسلمان نباید وجود داشته باشد.اگر هوشیاری کشورهای اسلامی تا آخر حفظ شود و این عزم راسخ متزلزل نشود. استعمار نو،باید بار خویش را بربندند و از کشورهای اسلامی برود زیرا دیگر جائی‏ برای آن باقی نمی‏ماند.

بیانیه تهران

بیانیه تهران در حقیقت عصاره و چکیده نظارت کارشناسان کشورهای‏ اسلامی بود که در 140 قطعنامه تنظیم‏ شده بود.مذاکرات وزیران خارجهء کشورهای اسلامی،سخنان افتتاحیه مقام‏ معظم رهبری،سخنان رئیس جمهوری‏ اسلامی ایران و بیانات کلیه سخنرانان در جلسات علنی و غیر علنی کنفرانس و رای‏ زنی‏های دو جانبه و چند جانبه و بیانات‏ توجیهی که در ملاقات‏های اعضای‏ کنفرانس با مقام رهبری و مقامات ایرانی‏ و با یکدیگر صورت گرفته،همه و همه‏ روح کنفرانس تهران را بصورت‏ قطعنامه‏ای که بنام‏"بیانیه تهران‏"معروف‏ شده است،متبلور ساخت.در این میان‏ بیانات مقام رهبری به طرز بارزی در قطعنامه انعکاس یافت که نشان توافق‏ کلیه شرکت‏کنندگان در کنفرانس از این‏ سخنان می‏باشد.براساس این قطعنامه:

\*سران،پادشاهان و رئیسان کشورهای‏ عضو سازمان کنفرانس اسلامی با اعتقاد راسخ بر توحید و مکتب اسلام و تأکید بر وحدت امت اسلام و پاسداری از ارزشها و اصول توحیدی،تصمیم قاطع خود را بر تحقق آرمان مشروع ملتها و مردم‏ مسلمان برای برقراری صلح و امنیت و توسعهء متوازن و پایدار و همه جانبه از طریق مشارکت فعال و نیز حق طبیعی‏ تعیین سرنوشت مردمی که زیر استعمار یا سلطهء بیگانگان یا اشتغال خارجی قرار دارند،تأکید کردند.

اگر به درستی در همین نخستین بند قطعنامه دقت شود،همهء خواستها و آرمانهای هشتمین اجلاس سران‏ کشورهای اسلامی در آن گنجانیده شده‏ است.از جمله حق طبیعی ملت فلسطین‏ برای حکومت مستقل در سرزمین آباء و اجدادی خود و طرد سلطه و نفوذ بیگانگان.

\*تشکیل بازار مشترک اسلامی مورد توافق سران کشورهای اسلامی قرار گرفته‏ و ارتقای نقش دنیای اسلام در تجارت‏ جهانی خواسته شده است.

\*اشتغال فلسطین و سرزمینهای عربی‏ شامل قدس شریف،ارتفاعات جولان در سوریه و جنوب لبنان محکوم شده است و مقاومت استوار مردم فلسطین،لبنان و سوریه در برابر اشغالگری اسرائیل ستوده‏ شده است و آزادی و کلیه سرزمینهای‏ اشغالی عربی و اعادهء حقوق مردم‏ فلسطین خواسته شده است.

\*بازنگری هرگونه همکاری نظامی با اسرائیل با هدف قطع کامل آن خواسته‏ شده است.

\*پاک‏سازی منطقه از سلاح‏های کشتار جمعی در خواست گردیده است از جمله‏ تسلیحات هسته‏ای.

\*ضرورت پیوستن اسرائیل به معاهدهء عدم اشاعه سلاحهای هسته‏ای خواسته‏ شده است.

\*عزم و اراده سران کشورهای اسلامی‏ برای بازپس‏گیری قدس شریف و مسجد الاقصی و اعادهء حقوق ملی و لا ینفک مردم فلسطین،اجرای حقوق‏ فلسطینی‏ها در بازگشت به خانه و کاشانه‏شان و اجرای حقوق مردم فلسطین‏ برای تعیین سرنوشت و ایجاد کشور مستقل فلسطین با پایتخت قرار گرفتن‏ قدس شریف،مورد تأکید قرار گرفته است.

\*در اعلامیه تهران همچنین بر همبستگی‏ ملت بوسنی،اعلام انزجار از ادامه درگیری‏ در افغانستان-حمایت کامل از حقوق‏ مردم جامو و کشمیر تأکید شده است.

\*بیانیه تهران ضمن محکوم کردن‏ تروریسم،در تمام اشکال آن،بین‏ تروریسم و مبارزهء مردم علیه سلطه‏ خارجی یا اشغال بیگانه،تفاوت قائل شده‏ است.

\*مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب مورد تأکید قرار گرفته است.

\*احترام کامل به حقوق زنان از دیگر موارد قطعنامه مصوب تهران است.

نتیجه‏گیری و راه آینده

از آنچه تاکنون گفته شد و از خلاصه‏ بسیار موجزی که از سخنرانیها و قطعنامه‏های تهران درج گردید.میتوان‏ نتیجه گرفت که کنفرانس تهران با دیگر کنفرانسهای قبلی تفاوت ماهوی داشت. آنان که از ابتدا،یعنی از زمان شکل‏گیری و ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی موضوع‏ این کنفرانس را تعقیب کرده‏اند آگاهند که‏ در پاره‏ای از اجلاسهای این کنفرانس گفت‏وگوها و بگومگوهای سران‏ کشورهای اسلامی تا آنجا کشیده شد که‏ اصل فلسفه‏ای که سازمان کنفرانس‏ اسلامی بخاطر آن ایجاد شده بود، فراموش می‏شد.نباید لحظه‏ای از یاد ببریم که مهمترین نکته در ایجاد این‏ سازمان،مبارزه با تجاوزات اسرائیل به‏ سرزمین فلسطین و تضییع حقوق این‏ ملت بوده است.اینک پس از چند دوره که‏ احقاق مردم فلسطین فراموش شده یا در حاشیه قرار گرفته بود،کنفرانس تهران‏ دوباره این مسأله حیاتی و اساسی دنیای‏ اسلام را در صدر مسائل مطروحه‏ کنفرانس قرار داد.بطوریکه عمده‏ترین‏ بخش قطعنامه تهران به مسأله فلسطین‏ اختصاص دارد.این بارزترین انعکاس‏ سخنان افتتاحیه مقام رهبری در قطعنامهء کنفرانس می‏باشد.

همچنین درحالیکه تا چند روز قبل از برگزاری کنفرانس تهران هواپیماهای‏ ترکیه شمال عراق را بمباران می‏کردند، قطعنامه تهران هر نوع توسل به زور توسط یک کشور اسلامی علیه کشور دیگر اسلامی را شدیدا و قاطعا محکوم کرد. خوشبختانه ترکیه در آستانه تشکیل‏ کنفرانس اعلام کرده بود که نیروهای خود را از شمال عراق خارج خواهد ساخت.این‏ در حالی بود که امریکا در آستانه تشکیل‏ کنفرانس تهران به ترکیه چراغ سبز نشان‏ داده بود و صریحا اعلام کرده بود که از حملات ترکیه علیه کردهای شمال عراق‏ حمایت می‏کند!ترکیه در برابر تصمیمات‏ کنفرانس تهران عکس العمل منفی از خود نشان نداد.

همچنین درحالیکه ترکیه-با همکاری‏ و همسوئی با سیاست نفوذ امریکا در خاورمیانه با اسرائیل از در سازش درآمده و قراردادهای نظامی با این کشور منعقد ساخته است،کنفرانس اینگونه همکاریها را مردود و محکوم شناخت و ترکیه در برابر عظم قاطع 54 کشور اسلامی دیگر، سکوت کرد.ملاحظه می‏شود که نفوذ کلام‏ رهبری،چگونه کنفرانس را به مسیر سالم‏ و سازنده و دور از تشنج و احترام گذاشتن‏ به رای اکثریت وادار ساخت.

اینک دنیای اسلام در برابر آزمایش‏ تاریخی بزرگی قرار دارد.اگر ارادهء فرماندهی در کشورهای اسلامی بر این‏ اساس قرار گیرد که تا پایان و دقیقا مفاد بیانیه تهران و روح مذاکرات هشتمین‏ اجلاس سران کشورهای اسلامی حفظ شود دیگر شبح ترس از یکدیگر،از کشورهای اسلامی رخت برخواهد بست و طبعا جائی برای سوداگران اسلحه برای‏ سیاست ایجاد ترس و فروش سلاح باقی‏ نخواهد ماند.

کشورهای اسلامی منابع و امکانات خود را در راه توسعهء متوازن-معتدل و مستمر به کار خواهند گرفت و در عین حال دست‏ آوردهای فنی و علمی مثبت مغرب‏زمین‏ را رد نخواهد کرد.

ارزشهای ملی و اسلامی کشورهای‏ مسلمان از دستبرد و تهاجم فرهنگی در امان خواهد ماند،در همان حال برای‏ پدیده‏های ارزشمند علمی و هنری در سطح جهانی مجال بروز و ظهور باقی‏ خواهد بود.

سئوال این است که خواست رهبری و فرماندهی در کشورهای اسلامی تا کجا و تا چه هنگام بر این قرار خواهد گرفت که‏ اعلامیه تهران را نصب العین قرار دهد. امیدواریم این خواستها تا رسیدن به هدف‏ نهائی که تعالی و ترقی کشورهای‏ اسلامی در همهء سطوح و جوانب است، ادامه یابد.انشا الله.